

پیروان ادیان الهی در شیراز و نقش آن‌ها در کالبد شهری (مطالعه موردی زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان از دوره صفویه تا پایان زندیه)

مصطفی ندیم، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز
سلیمان حیدری، استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز
ابوالقاسم بهرامی چگنی، دانشجوی دکترای تخصصی (نویسنده مسئول)*

چکیده

اگر چه بعد از ورود اسلام به ایران به تدریج اکثریت جمعیت کشور جذب دین اسلام شدند، با این وجود برخی از معتقدان به سایر ادیان الهی در ایالت‌های مختلف از جمله شیراز همچنان بر دین قبلی خود باقی ماندند و در تحولات کالبدی شهر تأثیر گذاشتند. مسأله اصلی پژوهش پیش‌روی نقش آفرینی گروه‌های دینی زرتشتی، یهودی و مسیحی در تحولات کالبدی شهری شیراز از صفویه تا زندیه و هدف پژوهش بررسی تأثیر سه گروه ذکر شده در تحولات کالبدی این شهر است. روش پژوهش توصیف همراه با تحلیل و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پیروان ادیان الهی در شیراز از عصر صفویه تا پایان زندیه اگر چه برای حفظ امنیت و همگرایی دینی در محله خاص خود و جدا از سایر محلات شهر می‌زیستند با این وجود در ساختارهای شهری، امور اجتماعی و اقتصادی و ایجاد بازارهای جدید در مرکز شهر نقش مهمی از خود بر جای گذاشتند.

واژگان کلیدی: شیراز، زندیه، کالبد شهری، پیروان ادیان الهی، صفویه.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۱

*E-mail: bahrami.chegani@gmail.com

مقدمه

شکل و چیدمان کالبدی هر شهر، دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ی عملکردها و فعالیت‌های خاص جاری در آن شهر است؛ بنابراین آنچه هویت کالبدی جامعه را تشکیل می‌دهد، برآیند نیروهای حاصله از ساختار اقتصادی، محیط اجتماعی و الگوهای رفتاری آن جامعه است. در سازمان کالبدی شهرهای ایران، طیف وسیعی از نیروهای تاریخی، عقیدتی و فرهنگی نقش دارند و شرایط کالبدی مخصوصی را در هر الگوی شهری به وجود می‌آورند. (پاکزاد، ۴: ۱۳۹۰ / باستانی‌راد، ۱۳۹۱: ۳) علاوه بر این در سیر تکامل شهرهای ایران عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی در قالب الگوهای سنتی، سهم بسزایی داشته‌اند. در پژوهش پیش رو کالبد شهری با توجه به تعاریف و عوامل فوق در نظر گرفته شده است. عوامل کالبدی در شهر شیراز در غالب مکان‌های تجارتي، بازارها، زیارتگاه‌ها و معابد و محله‌های شهری قابل بررسی است. مسئله‌ی پژوهش پیش روی نقش و کارکرد یهودیان، زرتشتیان و مسیحیان در تحولات کالبدی شیراز از دوره صفویه تا پایان زندیه است. پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که پیروان ادیان الهی (زرتشتی‌ها، یهودی‌ها و مسیحیان) چه تأثیری در ساختار کالبدی شهر شیراز از دوره صفویه تا پایان زندیه داشتند؟ به نظر می‌رسد نقش و کارکرد پیروان سایر ادیان الهی در این دوره‌های تاریخی، از عوامل تأثیرگذار در تحولات کالبدی شهر شیراز در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بوده است. با تقویت سیاست تسامح در دوره‌های صفویه و زندیه، پیروان دیگر ادیان، آزادانه در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت داشتند و در محلات خاص خود زندگی می‌کردند تا آنجا که حضور آنان، موجب تغییر کالبد شهر شیراز شد.

روش پژوهش توصیف همراه با تحلیل و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. بررسی پیشینه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون در خصوص نقش اقلیت‌های دینی در کالبد شهری شیراز مطالعه‌ی مستقلی صورت نگرفته است، با این وجود در برخی پژوهش‌ها به صورت کلی اشاراتی مختصر شده است. مسیحا و زندیه (۱۳۶۹) در مقاله‌ای نحوه تعامل حکام صفوی با اقلیت مسیحی در ایران را بررسی کرده‌اند. نمیرانیان (۱۳۸۹) در اثر خود توجه خاصی به وضعیت زرتشتیان شیراز داشته است، ولی به تأثیر آنان در کالبد شهری اشاره‌ای نکرده است. کریمیان طاهری (۱۳۹۰) در پایان نامه خود رابطه زرتشتی‌ها، کلیمی‌ها و مسیحیان از صفویه تا انقلاب اسلامی را بررسی کرده است. رحیمی دهگلان و سورنی (۱۳۹۶) در پژوهش خود موضع‌گیری حکام زندیه نسبت به سایر مذاهب در ایران را بررسی کرده‌اند. این دو پژوهشگر به تناسب عنوان مقاله خود به نقش اقلیت‌ها در کالبد شهری توجه

چندانی نداشته‌اند؛ بنابراین با توجه به فقدان اثری مستقل در خصوص نقش سایر ادیان الهی (زرتشتی، مسیحیت، یهود) در کالبد شهری شیراز، مقاله زیر در صد است به این موضوع بپردازد. برای بررسی بهتر در ابتدای مقاله به پیشینه حضور زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان در شیراز اشاره می‌شود و در قسمت‌های بعدی مقاله به نقش این سه دین در کالبد شهری می‌پردازد.

پیروان ادیان الهی در شیراز از دوره‌ی صفویه تا پایان زندیه (جایگاه زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان)

در عصر صفویه و بخصوص در هنگام حکمرانی الله وردی خان و امام قلی خان در فارس، اقلیت‌های مختلف دینی که از مدت‌ها پیش از برآمدن صفویه در محلات خاص خود زندگی می‌کردند در این دوران نیز در محدوده محله خود آزادی عمل داشتند و در پناه امنیتی که فضای کالبدی - اجتماعی محله و دستگاه حاکمه شهر برایشان فراهم کرد، نه تنها آداب‌ورسوم و مناسک دینی خود را به‌جای آوردند (شاردن، ۱۳۷۲، ۱۵۶۹/۴) بلکه توانستند در سایه امنیت ایجاد شده در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی رشد کنند (ترکمان: ۳۱۹: ۱۳۸۲). از میان سه دسته مختلف اقلیت‌های دینی در شیراز، زرتشتی‌ها جایگاه خاصی داشتند، آنان توانسته بودند در دو دوره تاریخی مهم یعنی اسلامی شدن ایران پس از فروپاشی ساسانیان و رسمی شدن تشیع در عصر صفویه هویت دینی خود را حفظ کنند و بعنوان یک اقلیت قابل توجه، در شیراز می‌زیستند و همواره مجبور بودند همانند سایر مردم از دستورات و فرامین کارگزاران دولت صفوی اطاعت محض کنند. هرچند سیاست صفویان از دوره‌ی شاه‌عباس ملایمت با این اقلیت را در پی داشت؛ با این حال و علی‌رغم برخی ناملایمت‌های زندگی اجتماعی، جامعه و توان خود را حفظ و حتی ارتقاء بخشیدند؛ به‌گونه‌ای که در وخیم‌ترین شرایط اجتماعی ایران در اواخر دوره صفویه و روزگار بعد از آن، باقی ماندند.

بعد از زرتشتی‌ها دومین اقلیتی که در شیراز عصر صفوی جایگاه مهمی داشت مسیحیان بودند. تا قرن چهارم هجری تعداد مسیحیان در فارس، بیشتر از یهودیان و کمتر از زرتشتیان بود (استخری، ۱۳۹: ۱۳۴۰). از قرن چهارم به بعد و تا برآمدن صفویه اطلاعاتی در خصوص وضعیت مسیحیان شیراز در دست نیست. با قدرت‌گیری صفویه و سیاست‌های برخی حکمرانان محلی فارس وضعیت اقلیت مسیحی نسبت به گذشته بهتر شد تا جایی که وضعیت اقتصادی آنان به تبع سیاست‌های برخی از شاهان صفوی از جمله شاه‌عباس بهبود یافت. بهتر شدن وضعیت اقتصادی مسیحیان و آرامنه در شیراز

ناشی از سیاست کلی حکومت صفوی نسبت به ارامنه و مسیحیان ایران بخصوص در عصر شاه عباس بود. در عصر این شاه صفوی، ارامنه نقش مهمی در تجارت خارجی بخصوص تجارت ابریشم داشتند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۵۶) البته بستر تجارت خارجی برای آنان فراهم شده بود و برخی تحولات سیاسی نیز در فعال شدن آنان در عرصه تجارت مهم بود. شاه عباس با دولت عثمانی درگیر بود و بیش از هر زمانی بهبود وضعیت اقتصادی و گسترش روابط سیاسی و تجاری با اروپا برای دولت صفوی اهمیت داشت. از طرفی اروپایی‌ها نیز نه تنها منافع تجاری خود را در تجارت با ایران دنبال می‌کردند بلکه حمایت از هم‌کیشان مسیحی نیز برای آنان اهمیت داشت. مهم‌تر آنکه شاه عباس نیز علاقمند بود در انظار سفرا و اتباع بیگانه بعنوان فردی آزادمش شهرت یابد... (ستوده، ۲۱-۲۵: ۱۳۸۳؛ فلسفی، ۱۳۶۹: ۱۱۳۹/۳) در کنار این عوامل موقعیت جغرافیایی فارس و شیراز به عنوان یک مرکز بین‌راهی در محور جنوب به شمال مهم بود. هرچند اصفهان و ایالات شمالی مرکز ثقل تجارت ابریشم بود، اما شیراز بعنوان مرکز ایالت فارس، شاهراه بازرگانی بنادر جنوبی خلیج فارس به شمال کشور محسوب می‌شد و همین موقعیت به ایجاد بازار و کاروانسرا و رونق اقتصادی در فارس و شیراز کمک کرد و در این رونق اقتصادی، پیشه‌وران و صنعتگران ارمنی سهیم بودند. (فوران، ۶۷: ۱۳۷۷) بجز زرتشتی‌ها و مسیحیان، یهودیان نیز در شیراز سابقه دیرینه داشتند و برخی از مورخان معتقدند سابقه حضور و اسکان یهودیان در فارس به عصر کورش هخامنشی می‌رسد. این پادشاه هخامنشی بعد از نجات یهودی‌ها، اجازه داد در هر جایی که علاقمند هستند ساکن شوند و تعدادی از یهودیان آزاد شده به فارس مهاجرت کردند و در این استان ساکن شدند. (مشکور، ۱۹۲: ۱۳۴۷) در خصوص تعداد یهودیان در فارس و شیراز در دوران اسلامی اطلاعاتی در دست نیست و کتاب‌هایی که حتی توسط مورخین یهودی نیز نوشته شده اشاره‌ای به وضعیت یهودیان ساکن شده در فارس و شیراز نمی‌کنند. با این وجود و طبق گزارش‌ها، یهودیان در شیراز از مدت‌ها پیش از تأسیس سلسله صفویه زندگی می‌کردند و فعالیت اقتصادی داشتند. در دوران صفویه و بخصوص در عصر شاه عباس یهودیان ایران از جمله یهودیان شیراز در مقایسه با زرتشتیان و مسیحیان، با اقبال کمتری روبرو شدند (لوی، ۱۸۳: ۱۳۳۹) و طبق گزارش برخی مستشرقین، شاه‌عباس نظر مثبتی درباره‌ی یهودیان نداشت. وی بارها در نزد مسیحیان، از یهودیان بدگویی و تأکید می‌کرد از آن‌ها متنفر است. (شرلی، ۱۰۱: ۱۳۶۳) ولی به هر حال نسبت به تأمین امنیت آنان اهتمام می‌ورزید. پس از فروپاشی صفویه و استقرار افغانه، آشوب و ناامنی ایران را فرا گرفت. در آن فضا اگر چه اقلیت‌های دینی در شیراز مورد تعرض واقع نشدند، ولی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آنان مثل سایر مردم آسیب فراوان دید. نادرشاه از فضای ناامنی و آشوب استفاده کرد و با تکیه بر مشروعیت‌بخشی از

طریق ایجاد امنیت و ثبات حکومت، افغان‌ها را شکست داد و قدرت را به دست گرفت. وی حصار مذهبی صفویان حاکم بر ایران را شکست و شرایط برای مشارکت همگانی پیروان سایر ادیان فراهم شد. نادر در اجرای سیاست‌های مذهبی خود، همگرایی با اقلیت‌های دینی و مذهبی را در پیش گرفت (مروی، ۱۳۶۱: ۴۱۰). او به تمام اقلیت‌ها احترام می‌گذاشت و به حق و حقوق آن‌ها توجه می‌کرد (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۳۷). در عهد کریم‌خان، با پیروان ادیان دیگر به مدارا رفتار شد. خان زند نه تنها تعصب و سخت‌گیری نسبت به آداب مذهب شیعه نداشت؛ بلکه به کلیه مذاهب به دیده‌ی تساهل می‌نگریست و لذا مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان شیراز از آرامشی خاص برخوردار بودند و زندگی را در عصر وی مغتنم شمردند. همچنین از آزادی مذهب و تجارت نیز بهره داشتند. (رستم‌الحکما، ۳۳۹: ۱۳۸۲)

کریم‌خان در سال ۱۷۶۴ م/ ۱۱۷۷ ق در پاسخ خواسته‌های روحانیون و کشیش‌های فرنگی، کارملیت‌ها، راهبه‌ها، کاپوچی‌های یسوعیون، اگوستینیان و دیگر گروه‌های ساکن ایالات مختلف ایران، فرامینی صادر و آزادی محل سکونت و عبادت و تجارتشان را مانند دوره‌ی صفویه تضمین کرد. ترتیبی اتخاذ شد که در برابر تجاوزات ارمنی‌های عیسوی مذهب، از آن‌ها حمایت شود؛ مشروط بر آن‌که رفتارشان با شریعت و با علمای مذهب شیعه، خصومت‌آمیز نباشد. (قائم‌مقامی، ۳۶۶: ۱۳۴۶) اما در زمان بعضی جانشینان ایشان مانند علی‌مردان‌خان، اقلیت‌های دینی، از آرامش کمتری برخوردار بودند و این امر، برخلاف دوره‌ی کریم‌خان بود. (رستم‌الحکما، ۴۵۲: ۱۳۸۲) تساهل و مدارای حاکمان این دوره و نقش اقتصاد سیاسی اقلیت‌های ارمنی و مسیحی، زرتشتی و کلیمی منجر به توسعه‌ی محلات و فضاهای فرهنگی، مذهبی و خدماتی اقلیت‌ها در شهر شیراز شد. در روند توزیع جمعیت شهری شیراز در دوره‌های تاریخی بین محلات، اقلیت‌ها جایگاه خود را حفظ کردند. این محلات با نام هر اقلیت در سیر تاریخی نام‌گذاری شد.

نقش پیروان سایر ادیان در کالبد شهری شیراز (دوره‌های صفویه تا پایان

زندیه)

الف) پیشینه‌ی کالبدی

مسلمانان پس از ورود به فارس، شهر باستانی اصطخر به‌عنوان کرسی مهم ایالت فارس را در مقابل خود یافتند لذا برای فتح مرکز این ایالت، منطقه‌ی شیراز با تفکر نظامی، به‌عنوان لشکرگاه

مسلمانان تثبیت شد. مسلمانان به هنگام گشایش ایالت فارس، آن را مرکزیت دادند و شهرهای بسیاری در قرن چهارم هجری بدان وابسته گردید. (مقدسی، ۶۳۲: ۱۳۶۱) با سیری در منابع جغرافیایی و تاریخی قرون اولیه اسلامی، مشخص می‌شود، موقعیت و استخوان‌بندی کالبد شهر شیراز ادامه شهرسازی دوره‌های قبلی است. (استخری، ۹۶: ۱۳۴۰) ساخت شیراز با استفاده از تجربیات مهندسی دوره‌های قبل که با الهام از سه عنصر شهری ایران باستان، کهنه‌دژ، شارستان و روض در بیرون از حصار که شارستان را احاطه می‌کرد، انجام پذیرفت. (همان: ۱۱۱) با انتخاب شیراز به‌عنوان محل حضور امیران دولت صفاریان، اهمیت آن بیش از پیش شد. عمرو برادر یعقوب لیث صفاری، دستور ساخت مسجد جامع عتیق، قدیمی‌ترین بنای شهر را صادر کرد. این مسجد در محله‌ای که بعدها به نام محله بازار مرغ شهرت یافت، به نام مسجد جمعه احداث گردید. این بنا بی‌تردید در آن ایام در مرکز شهر و نزدیک به بازارها و محل کسب‌وکار مردم قرار داشته است. (همان، ۱۲۵: ۱۳۴۰؛ بیضاوی، ۸۷: ۱۳۸۲) جغرافی‌دانان قرن سوم و اوایل قرن چهارم، شهر شیراز را باشکوه و عظمت و وسعت توصیف کرده‌اند. (یعقوبی، ۱۴۲: ۱۳۶۵)

با به قدرت رسیدن آل بویه مسأله مذهب، اندیشه، مفاهیم و توسعه علم و دانش، نیروی محرکه‌ی سازمان‌دهی فضایی- کالبدی شهرهای تحت قلمرو از جمله شیراز شد و به همین دلیل قرن چهارم هجری بعنوان یکی از مقاطع مهم و بامعنای شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی کشور و شیراز محسوب گردید. در این دوران ایالت فارس و شهر شیراز شاهد تغییرات محسوسی بود. توصیف شهر شیراز در منابع جغرافیایی در این مقطع، گویای وضعیت مطلوب در آن زمان است. (همان، ۲۵۱: ۱۳۶۱) زرتشتی‌ها دو معبد در داخل شهر و یکی در جنب دروازه داشتند. مقدسی حتی شهر را مذمت می‌کند از اینکه بازارهای آن را در ایام عید کفار، هم تزیین می‌کردند. (همان، ۲۵۲) پس از دیلمیان، شیراز به دست امیران سلجوقی و اتابکان افتاد. اتابکان این شهر را بسیار آباد کردند و بناهای زیادی از جمله بازار، آب‌انبار، مدرسه، بیمارستان و کاروانسرا، قنات زنگی، مسجد نو، بنای نخستین بقعه بر مزار حضرت شاه‌چراغ (ع) و بنای آجری آبش خاتون را در شیراز ساختند. (مستوفی، ۱۷۲: ۱۳۸۱) با توجه به ساختار شیراز، رعایت گذر و تغییرات شهری از دوره ماقبل به دوره اسلامی، قابل‌تعریف است. ساخت مسجد و بناهای خیر و عام‌المنفعه به سبک منطبق بر ارزش‌های اسلامی همچون بنای آرامگاه‌ها، در این دوره قابل‌تصور است. در این دوره یکی از شاخص‌های سازمان فضایی، مجموعه‌های نیمه‌مستقل عمومی جدید است که در اثر ابن‌بلخی آمده است. (ابن‌بلخی، ۲۴: ۱۳۸۴)

با تعمقی در وضعیت دروازه‌ها، بازار، اماکن، مساجد و مدارس در این دوره و مطالعه در کالبد شهری از دیدگاه ساخت شهری در دوره اتابکان، با شکل‌گیری بنای عمومی شاخصی همچون مسجد نو، با تبعیت از الگوی مسجد جامع عتیق، گونه‌ای جدید از فضای عمومی ایجاد شد. در واقع می‌توان گفت هویت شبکه منسجم فضاهای عمومی شهری دوره اتابکان، علاوه بر در نظر داشتن فضاهای عمومی کهن، فضاهای جدید را از طریق فعال‌ترین و سرزنده‌ترین فضای عمومی شهری یعنی بازار، به هم پیوند داد. (آیتی، ۹۲: ۱۳۸۱) این تحولات به همراه ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی در دوره‌های تیموریان، آق‌قویونلوها و صفویه تا زنده‌ی تحولات بزرگ‌تری را در شیراز رقم زد که پیروان سایر ادیان در آن سهم داشتند. باغ محوری از دیگر عناصر کالبدی شیراز بود که در دوره‌های مغولان، تیموریان و صفویان تا دوره‌ی زندیه و پس از آن نمود داشت. الگوی باغ ایرانی در شهر شیراز تداوم خود را حفظ کرد. اتصال باغ به مرکز حکومتی، ترکیب فضاهای دینی و اجتماعی همچون مساجد، آرامگاه‌ها و معابد با بستان‌ها و سرسبزی محیطی، نقش باغ و سبزه‌زارها در ایجاد فضای مطلوب اطراف بازارها، کاروانسراها، رباط‌ها و باغ بعنوان تفرجگاه‌ها و سبزه‌زارها در اطراف مکان‌های زیارتی، همگی از ویژگی‌های ممتاز شیراز در آن دوران محسوب می‌گردید. باغ ارم، باغ دلگشا، باغ جهان‌نما و... از جمله بستان‌هایی بودند که باهمت مردم و حاکمان، این شهر را در نظر جهانیان زینت داد (ابن‌عربشاه، ۳۰۸: ۱۳۵۶) این وضعیت، کارکرد شهر شیراز را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی پوشش می‌داده است. پدیده‌ی دیگری که در این دوره‌های تاریخی نیز در شکل‌دهی ساختار شهری شیراز مؤثر بوده است، وجود پیروان سایر ادیان الهی بود. این امر، به پیدایش تدریجی فضای کالبدی اجتماعی محله‌ها و مراکز با نام این گروه‌های ساکن در شهر انجامید. در سفرنامه‌های اروپاییانی که در دوره صفویه به شیراز سفر کردند، به مشاغل و صنایع و محلات پیروان ادیان مختلف پرداخته شده است. (تاورنیه، ۳۳۶: ۱۳۸۲-۳۳۸)

ب) نقش پیروان سایر ادیان

پیروان سایر ادیان الهی هرچند در این دوران تاریخی از نظر جمعیتی در اقلیت بودند، اما نقش مؤثری در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی شهری داشتند. در شریعت اسلامی قانون یا دستوری وجود نداشت که راه فعالیت را بر پیروان سایر ادیان الهی مسدود کند. لذا هرکدام از آن‌ها با توجه به مهارت و تخصصی که ریشه در موقعیت سیاسی و اجتماعی‌شان داشت به فعالیت مشغول بودند و از میان آن‌ها

صراف‌ها، بازرگانان، پزشکان و صاحبان املاک وجود داشتند. (سعید الشیخلی، ۱۳۶۲: ۱۸-۱۹) بنابراین زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان در این دوره، در فعالیت‌های شهری مشارکت داشتند. در یک نگاه و تحلیل تاریخی، گروه‌ها و اقوام مذهبی سایر ادیان غیراسلامی در شیراز دوره زندیه، در واقع همان ترکیب ترکیب سازمان‌دهی جمعیتی و شهری دوره صفویه خصوصاً دوران شاه‌عباس در این شهر است؛ بنابراین شناخت بیشتر نقش کالبدی سایر ادیان الهی در دوره شاه‌عباس صفوی که آثار آن در بازدید میدانی تاکنون مشخص است، خود تحلیلی بر تداوم تأثیر این گروه‌ها در دوره‌ی زندیه به شمار می‌رود. کریم‌خان زند با برگزیدن شیراز به‌عنوان پایتخت و مرکز حکومت و آرمان وی برای رشد و ترقی این شهر، ترکیب جمعیتی را تقویت کرد. در این راستا، یهودیان و ارامنه و سایر مسیحیان نقش پررنگ‌تری در پیشبرد اهداف ساختاری و کالبد شهر شیراز داشتند که در ذیل به صورت جداگانه بررسی می‌شود:

یهودیان

یهودیان در دوره‌ی صفویه و زندیه در محله‌ی کلیمیان زندگی می‌کردند. این محله یازدهمین محله‌ی شیراز محسوب می‌شد. این محله که محله‌ی پرجمعیتی بود، بین محلات میدان شاه، بازار مرغ و درب مسجد قرار گرفته بود. تاریخ پیدایش این محله، درست معلوم نیست. تاورنیه که در سفر به شیراز از نزدیک محله یهودیان را دیده است، می‌نویسد: «یهودی‌های شیراز، در دوره‌ی صفویه شش‌صد خانوار می‌شدند که یک‌صد الی یک‌صد و ده هزار من شراب می‌انداختند زیرا که تجارت عمده‌ی این گروه همین است که حاکم شیراز هم یک مبلغی از دخل و منفعت آن‌ها را از دستشان می‌گرفت.» (تاورنیه، ۳۳۷: ۱۳۸۲) در فارسنامه‌ی ناصری نیز به محله یهودی‌ها اشاره شده و محله آنان را خارج از محلات ده‌گانه‌ی شیراز بر شمرده است. (حسینی‌فسایی ۱۱۳۴: ۱۳۸۸) احتمالاً توسعه و تجمع کلیمیان در این محله، از زمان صفویه آغاز شده بود. یکی از محققین یهودی معتقد است در دوره‌ی زندیه شیراز بزرگ‌ترین مرکز یهودی‌نشین ایران بود. (لوی، ۴۸۶: ۱۳۳۹) کریم خان با دعوت از بازرگانان و بانکداران یهودی، موج فزاینده بازگشت آن‌ها به ایران و اسکان ایشان در شیراز پر رونق را تشویق کرد. (ارباب، ۱۲۰: ۱۳۸۱) گفته می‌شود که فقط یک کاروان که در سال ۱۱۴۲ ه.ق از بغداد حرکت کرده بود، حدود ۱۰ هزار مهاجر را به ایران بازگرداند. (همان: ۱۲۳) تعدادی از یهودیان مهاجر در شیراز و اطراف آن ساکن شدند. (پری، ۱۳۱: ۱۳۹۳) نیبور جهانگرد اروپایی در دوره زندیه می‌نویسد یهودی‌ها در

شیراز، مانند دیگر نقاط مشرق زمین، در محله‌ای مخصوص به خود زندگی می‌کردند (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۵۷).

دلایل استقرار یهودیان در محله‌ی خاص به نام «محله کلیمیان» در شیراز، موارد ذیل است:
الف - دوری آن محله از اماکن مقدسه‌ی شهر.

ب - نزدیکی به باروی شهر مخصوصاً به دروازه‌ی بیضا که از آنجا محصول انگور باغ‌های قصرالدشت و دهکده‌ی خلار که بهترین انگور شراب از آن فراهم می‌گردید، وارد شهر می‌شده است.
پ - نزدیک بودن این محله به تأسیسات دولتی و قصور حکومتی به جهت تأمین امنیت. کلیمیان از نظر امنیتی، خانه‌های خود را با درهای کوتاه و فشرده به هم درست می‌کردند و کوچه‌ها بسیار پریچ‌وخم بود. بعضی از آن‌ها مانند کوچه‌ی «هفت در بندان» مشهور است. در محله‌ی کلیمیان، چند کنیسه وجود داشت. (افسر، ۲۱۱: ۱۳۵۳)

در بازدید میدانی از بافت قدیم شیراز آثار محله‌ی کلیمی‌ها مشخص است. آنان در محله خود به طلاسازي و طلافروشی اشتغال داشتند و بازار زرگرها که منشعب از بازار مرغ بود از میان محله‌ی کلیمی‌ها می‌گذشت و تا به امروز بازارچه‌ی زرگرها باقیست و هم اکنون نیز اکثر ساکنان آن کلیمی‌ها هستند. این محله تقریباً دست‌نخورده باقی‌مانده است. در این محل مکان‌هایی مانند حمام، مکتب‌خانه، بازار، بازارچه، قراول خانه و معبد مخصوص کلیمی‌ها وجود داشته است. مرکز این محله همان معبد کلیمی‌ها بوده است. در ساخت و استقرار محله‌ی کلیمیان و سایر اقلیت‌ها، ایجاد احساس امنیت و تأمین امنیت به‌وسیله‌ی نظارت طبیعی و افزایش توانایی نظارت برای ساکنان محله‌ها، منجر به افزایش امنیت آنان می‌شده است و از طرفی قابلیت طراحی معماری فضای همسایگی در جهت تسهیل موقعیت نظارت بر فضای بیرون و میزان حضور افراد در فضای محله، همراه با میزان تعاملات موجود بین ساکنان در محله و توانایی طراحی محله در افزایش تعاملات، امنیت ساکنان این اقلیت و امثال زرتشتیان را موجب گردید.

مسیحیان

کوچاندن و استقرار مسیحیان در دوره شاه‌عباس صفوی به شیراز و سیاست‌های جدید صفویان در رویارویی با اقلیت‌های مذهبی که بانگیزه‌های سیاسی و اقتصادی توأم بود، وضعیت تازه‌ای را در منطقه‌ی شیراز به وجود آورد که تأثیرات وجود این گروه‌های دینی در پایتخت زندیان ظهور یافت.

اصرار کریم‌خان بر دعوت یهودیان، آرامنه و مسیحیان برای حضور در شیراز، به واسطه‌ی نقش مثبت آنان در توسعه و ترقی ساختار شهری شیراز با توجه به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آنان بود. (ارباب، ۱۰۵: ۱۳۸۱) مسیحیان اقلیتی کوشا و نیروهای مولد اقتصادی محسوب می‌شدند. به همین منظور، در ترکیب جمعیت و اقتصاد شهری مورد توجه بودند. آنان در حرفه‌هایی مانند گنج‌بری، بازرگانی، ساعت‌سازی، صنعت چاپ مهارت داشتند اما تجارت، عمده‌ترین حرفه‌ی ارمنی‌ها در ایران بود. به طوری که تاورنیه می‌نویسد: «تجارت در ایران تقسیم شده است: تجارت داخلی در دست یهودیان و ایرانیان است اما تجارت خارجی به طور کلی، در تصرف مسیحیان است» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۶۵) تأثیر تجارت که اولین نمود آن شکل‌گیری فضاهای تجاری و کاروانسراها در معماری سنتی شهرهای ایران و شهر شیراز است، به خوبی در کالبد شهری نمایان شد. فضاهای تجاری همواره از اجزای جدانشدنی کالبد شهرها بوده و هستند و بازار نمونه‌ی بارز این مراکز در معماری سنتی شهر شیراز بود. سابقه‌ی توسعه‌ی فضایی شهر در دوره‌های قبل از صفویه، نمودار شهر شیراز را در ذهن متبادر می‌سازد. کاروانسراها و بازارهای پررونق شیراز در دوره‌های صفویه و زندیه، مدیون برگزیدن خطمشی اقتصاد سیاسی دوره‌ی تحکیم قدرت صفویه و از طرفی دوره‌ی کریم‌خان زند و برگزیدن شیراز بعنوان پایتخت دولت زندیه است. توسعه‌ی فضاهای دیگر فرهنگی و مراکز بیمارستانی و تشکیل محلات اقلیت نشین هریک نیز در این دوران نقش پررنگی در کالبد شهری شیراز از منظر تاریخی داشته‌اند.

میلغان کارملیت در سال ۱۲۹۱ ق ۱۳۱۱ م به دنبال تأسیس اقامتگاهی در شیراز بودند. این مبلغان که در دوره‌ی صفویه در نقاط مختلف کشور حضور داشتند، در ترویج و اشاعه‌ی مسیحیت و از طرفی تقویت اقلیت‌ها در ایران نقش داشتند. هرچند آرامنه‌ی ایران با آنان روابط خوبی نداشتند اما حضورشان در شهرها و ساخت و توسعه‌ی مراکز فرهنگی و اقامتی و بیمارستانی، نقش قابل توجهی در کالبد بعضی شهرها داشت. کارملیتها در دوره‌ی صفویه موفق شدند اجازه‌ی تأسیس بیمارستان، نوانخانه و کلیسا را در شهر شیراز اخذ کنند. کاری و تاورنیه به هنگام اقامت در شیراز، در این اقامتگاه‌ها سکونت نموده و فعالیت‌های کشیشان این گروه در بیمارستان کارملیتهای شیراز را از نزدیک مشاهده کرده‌اند و خدمات‌رسانی به بیماران و کمک به مستمندان در نوانخانه کارملیت‌های شیراز را توصیف کرده‌اند. (همان: ۳۴۶؛ کاری، ۱۹۰: ۱۳۸۴)

در دوره‌ی شاه‌عباس صفوی، ژوزف لایروس پس از ورود در جرگه‌ی کرملی‌های پابره‌نه، نام مذهبی آنژلوس سن ژوزفی را برای خود برگزید. وی با مشاهده موفقیت‌های ماتیو یکی دیگر از رؤسای روحانی که از معلومات قابل ملاحظه‌ی خود در پزشکی برای تبلیغ مسیحیت استفاده می‌کرد با وی

همکاری می‌کرده است. (الگود، ۴۱۲: ۱۳۷۱) نفوذ فرانسه در ایران همچنین با تأسیس هیئت مبلغین یسوعی در حومه‌ی مسیحی‌نشین اصفهان و شیراز، به ریاست پدر فرانسوا ریگوردی، به سال ۱۰۶۳ ه.ق افزایش یافت. (سیوری، ۱۰۵: ۱۳۶۳) نیبور که پس از مرگ نادر و زمان کریم‌خان زند به ایران سفر کرده است، ارامنه و محل سکونت آنان را در شیراز این‌گونه توصیف کرده است: «در ایران روستاهای بزرگی وجود دارد که در آن‌ها فقط ارمنی‌ها زندگی می‌کنند. ارمنی‌ها در سر باغ یا محل تأسیسات انگلیسی‌ها، یک کلیسا دارند که هرروز در این کلیسا جمع می‌شوند و عبادت می‌کنند. شراب شیراز را بیشتر ارمنی‌ها تهیه می‌کنند. شراب در کوزه‌ها و شیشه‌های بزرگی به بوشهر حمل می‌شود و از بوشهر به بصره و هندوستان صادر می‌گردد». (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۵۶-۱۵۷) در گزارش دو مأمور در دوره‌ی بعدی از شیراز درباره‌ی محله‌ی سرباغ آمده است: «جمیع خانه‌هایش، آباد و مسکون و مطلقاً مخروبه ندارد و نصف ساکنین آنجا نیز تجار و معقولین هستند و عدد خانه‌هایش دویست و یازده است و طایفه ارامنه در این محل ساکن‌اند». (آل داوود، ۵۳: ۱۳۷۸)

ساختمان کلیسای مریم مقدس ارامنه در دوره‌ی شاه‌عباس دوم، به سال ۱۶۶۲ میلادی در شیراز ساخته شد. تالار نمازگاه آن یکی از بناهای ظریف قدیمی و هنری قرن هفدهم میلادی شیراز می‌باشد. نقاشی و گچ‌بریهای آن از شاهکارهای هنری است. این کلیسا در دورانی ساخته شد که عده‌ی قابل‌ملاحظه‌ای ارمنی، در شیراز سکونت داشتند که از ارمنستان به اصفهان و از آنجا به شیراز آمده بودند. (مصطفوی، ۷۱: ۱۳۷۵؛ سامی، ۱۱۷: ۱۳۷۴) کلیسا که هم اکنون نیز برپا است در محله‌ی تاریخی سنگ سیاه در جنب محلی که در زمان حال معروف به بازارچه‌ی ارامنه است، قرار دارد. قرائن و سایر روایات تاریخی، محله‌ی ارامنه را در حدود همان محله‌ی سرباغ که در گزارش نیبور آمده است، در دوران صفویه و بعد از آن نشان می‌دهد. اقلیت‌ها در موج رو به گسترش توسعه‌ی شهری مایل بودند که سنن، آداب، رسوم و عادات خود را از گزند آسیب‌ها حفظ کنند. بر این مبنا، با تجمع در بخشی از شهر، علاوه بر کسب امنیت روانی، به درجه‌ای از امنیت اجتماعی هم دست می‌یافتند که در محلات شهری امکان تجدید زندگی گذشته و شیوه‌های زیستی مقبول آیین خود را بازیابی می‌کردند. محلات شهری اقلیت‌ها در شیراز از یک‌سو مساله‌ی وابستگی و تعلق افراد به جمع را در چارچوب شهری و محدوده‌ی آن حل کردند و از سوی دیگر، مجال بروز تعلقات ویژه‌ی شغلی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و نژادی را فراهم کرده و فرصت تجدید حیات این گروه‌ها را ایجاد کردند.

پس از فروپاشی صفویه و تا برآمدن زندیه اطلاعاتی در خصوص نقش اقلیت مسیحی ارمنی در کالبد شهری در دست نیست. در دوران زندیه، بخشی از جمعیت شیراز را اقلیت مذهبی ارمنیان تشکیل می‌دادند. ارمنیان با دریافت روستاهایی به‌عنوان هدیه به اسکان در اطراف شیراز تشویق شدند. (پری، ۱۳۹۳: ۱۳۱) در این دوران بخصوص در عصر کریم خان زند دوره‌ای از صلح و آرامش نسبی در منطقه و خصوصاً شیراز و نواحی اطراف آن، برقرار شد. این امر فرصت توجه به امورات صنعتی، تجاری و همچنین بازرگانی را مهیا کرد. در پی فرصت پیش‌آمده، خان زند برای احیای مجدد شیراز به‌عنوان پایتخت، به برخی اقدامات از قبیل نوسازی، بازسازی و بهسازی شهری پرداخت که برای نیل به این اهداف، نیاز به نیروهای متخصص و کارداران بود. بخش عمده‌ای از نیروهای متخصص را ارمنیان تشکیل می‌دادند که کریم خان ایشان را از اصفهان و نواحی شمال غربی ایران به شیراز کوچ داد این اقلیت (ارمنی) علاوه بر توانایی انجام امور مربوط به صنایع، در امور تجاری و بازرگانی نیز از وزنه‌های مهم به حساب می‌آمدند. در واقع کریم‌خان با توجه به این قابلیت‌ها و توانایی‌ها و برای رونق شیراز و ارتقاء سطح اقتصادی شهر، این نیروها را به‌سوی پایتخت جذب کرد. (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۵۶) در بازدید میدانی از بافت قدیم شهر شیراز محله‌ی مسیحی نشین توجه محققان را به خود جلب می‌نماید که می‌توان بامطالعه توصیفی و تحلیل موقعیت مکانی، به نقش این محله در تحولات شهری دوره‌های صفویه و زندیه پی برد. محله‌ی ارمنی‌ها به اسامی عیسویون یا نصرانی نیز معروف بود. این محله نزدیک درب مسجد مشیر فعلی قرار دارد و کلیه‌ی عیسویان شیراز در این محل زندگی می‌کردند. کلیسای آرامنه معروف به کلیسای حضرت مریم در داخل شهر و جنب مسجد مشیر قرار دارد. بازارچه‌ای نیز در این محل وجود داشته است که به بازارچه‌ی ارمنی‌ها معروف بوده و هنوز هم آثاری از این بازارچه باقی است و به همان نام قدیم شهرت دارد. در این محله نیز مکان‌هایی چون حمام، مکتب‌خانه، کلیسا، قراول خانه، بازار و بازارچه‌ی مخصوص عیسویان و ارمنی‌ها وجود داشته است. عیسویان به تدریج از آرامنه جدا شدند و به محل جدیدی واقع در خارج شیراز رفتند و کلیسای حضرت شمعون غیور را بنا کردند و در اطراف آن، محله‌ی خود را گسترش دادند. این کلیسا که در کوچه نوبهار منشعب از خیابان زند فعلی است، آراسته به جزئیات معماری ایرانی از جمله استفاده از پنجره‌های الوان می‌باشد. شکل‌گیری، توسعه و بازسازی محله‌هایی مانند محله مسیحیان و ساخت مراکزی مانند کلیسای مریم مقدس، کنیسه‌های یهودیان، کاروانسرا مولتانی و توسعه‌ی قبرستان‌های اقلیت‌ها، همگی روش‌های کارآمدی برای شکل‌گیری و توسعه‌ی فضایی و از طرفی مکان‌یابی و سازمان‌دهی نیروهای مولد اقلیت‌ها در شیراز محسوب می‌شدند.

زرتشتیان

در خصوص موقعیت زرتشتی‌ها و تأثیر آنان در کالبد شهری شیراز از صفویه تا ابتدای زندیه اطلاعاتی در دست نیست. بیشترین اطلاعات مربوط به این اقلیت در منابع عصر زندیه آمده است. گفته شده کریم‌خان نسبت به زرتشتیان شیراز تسامح می‌ورزید تا جایی که با جاماسب زرتشتی هم‌نشینی داشت. (آصف، ۱۳۸۲: ۳۲۲-۳۲۴). بنا بر منابع تاریخی، زرتشتیان شیراز پیش از کریم‌خان زند موردتهاجم و غارت قرار گرفتند (کلانتر، ۴۲: ۱۳۶۲). به دنبال این ماجرا، تعدادی از زرتشتیان به کرمان و یزد مهاجرت کردند و این در حالی بود که در دوره‌ی حکومت خان زند، بیشتر پیروان دین زرتشتی درجایی که امروز به کل تیموری معروف است و در آن زمان خارج از دروازه‌ی شیراز و به‌دوراز محلات قرار داشت، زندگی می‌کردند و این امر با روایات تاریخی اولیه‌ی حضور زرتشتیان در شیراز مطابقت دارد. با مرگ کریم‌خان و ضعف در حکومت زندیه و بحران جانشینی، ارادل‌واوباش از فرصت استفاده کرده و محلات شیراز را مورد نهب و غارت قراردادند. در این میان، محله زرتشتیان نیز موردتهاجم و غارت قرار گرفت. پیش‌ازاین، زرتشتیان شیراز به لحاظ اقتصادی موقعیت خوبی داشتند. برخی از تجار معروف از زرتشتیان بودند و کاروانسراهای پررونقی را در اختیار داشتند که امروز اثری از آن کاروانسراها نیست. (ندیم، ۱۳۸: ۱۳۹۴)

نتیجه

عناصر طبیعی، کالبد‌های مصنوعی، ترکیب اقوام و نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حوادث تاریخی موضوعاتی هستند که بررسی تطبیقی آن‌ها در دوره‌های مختلف، سبب شناسایی تمایزات هر دوره تاریخی از دوره دیگر شده و هویت شهر را سبب می‌شود. در این پژوهش، تأثیرات عملکرد سایر پیروان ادیان الهی شهر شیراز در بررسی تطبیقی دوره‌های صفویه و زندیه بر کالبد شهر شیراز به‌عنوان یکی از عناصر مؤثر بر توسعه‌ی شیراز، موردبررسی قرار گرفت. مسیحیان، یهودی‌ها، آرامنه و زرتشتیان، اقلیت‌های شناخته‌شده جامعه‌ی ایران محسوب می‌شوند. در دوران صفویه، تساهل و تعامل پادشاهان این سلسله در دوره‌های تکوین و اقتدار به دلایل سیاسی و اقتصادی، وضعیت اجتماعی اقلیت‌ها را ثبات بخشید. کوچاندن و استقرار آرامنه و گرجیان مسیحی در دوره‌ی شاه‌عباس از عوامل مهم شکل‌گیری و تجمع این گروه‌ها در شیراز و اطراف آن بشمار می‌رود. علاوه بر این نقش و کارکرد هیئت‌های مذهبی از کشورهای اروپایی با تأسیس کلیسا، صومعه، نوانخانه و بیمارستان در شهر شیراز، توسعه‌ی محلات را

موجب شد. پس از دوران افغان‌ها و فترت فکری دینی نادرشاهی فرصت جدیدی در عصر کریم‌خان پدید آورد تا در سایه‌ی مدارا و درایت و کیل‌الرعايا و اولویت اساسی وی مبنی بر رونق، پیشرفت و توسعه‌ی کشور و پایتخت، اقلیت‌های مذهبی به‌عنوان نیروهای اجتماعی مولد، نقش خود را ایفا کردند. در این عصر هریک از اقلیت‌ها دارای مهارت و از صاحبان حرف به شمار می‌رفتند. تحولات خارجی نیز بر وضعیت اقلیت‌ها و نقش آن کالبد شهری شیراز تأثیر گذاشت. در این عصر بخش عمده‌ای از تجارت خارجی در دست تجار مسیحی بود، ثروت حاصله از راه تجارت بر اقتصاد شهری شیراز تأثیر گذاشت و به‌تدریج زمینه ایجاد مکان‌های ویژه‌ای به نام بازار را فراهم کرد. بازار به‌منزله مرکز مهم شهر، انجام‌وظیفه می‌کرد علاوه بر این بازار از جمله عناصر مهم شهری بود که نقش کلیدی در ساختار کالبدی کالبدی شهر شیراز ایفا کرد. عوامل تشکیل‌دهنده بازار از جمله عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در کنار یکدیگر، بر شکل‌گیری ساختار شهر و هویت آن تأثیر گذاشت.

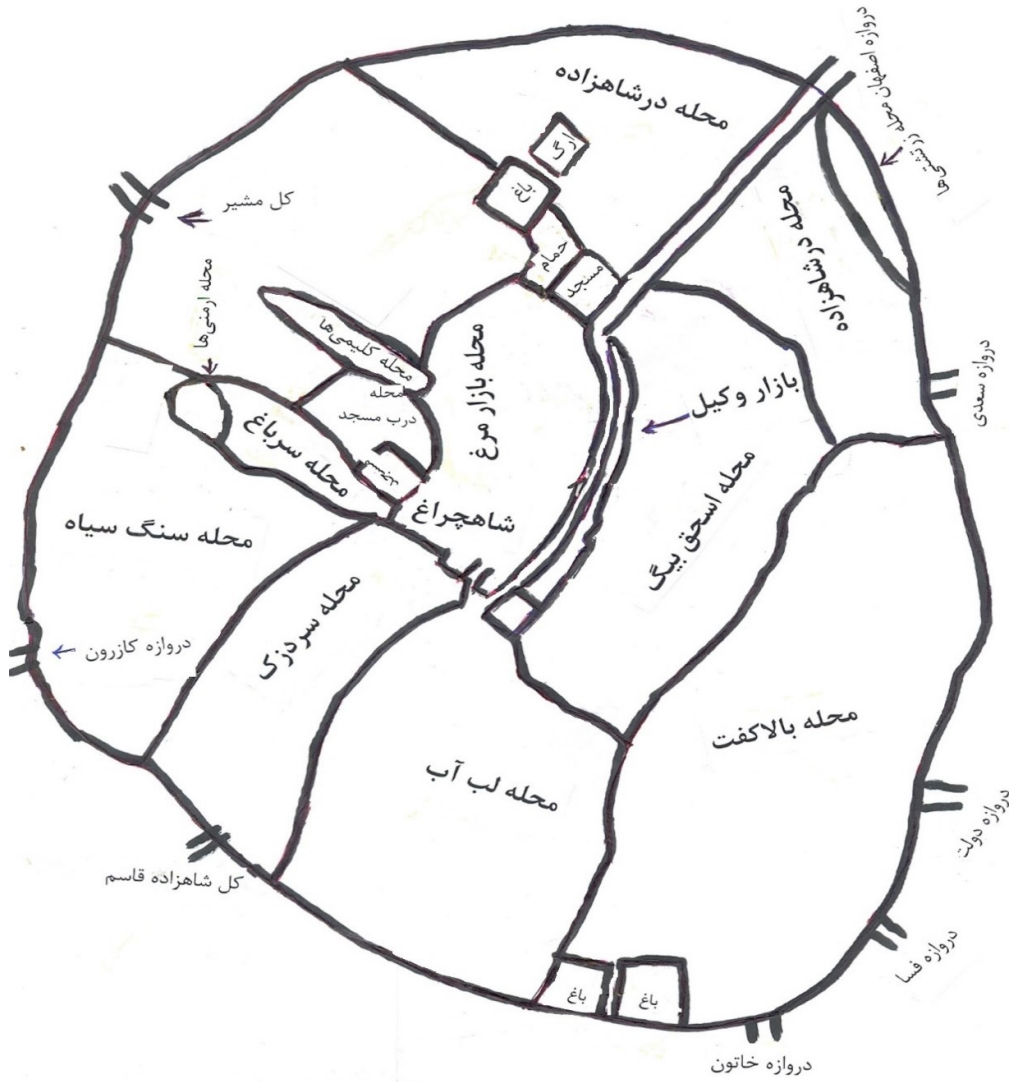
تأثیر اساسی اقلیت‌ها بر کالبد شهری شیراز در دوره‌های صفویه و زندیه، با شکل‌گیری و توسعه‌ی محلات اقلیت نشین تحقق بیشتری یافت. این محله‌ها با محدوده‌های جغرافیایی، اجتماعی، دارای پیوستگی اجتماعی بود که مرز و حدود آن تابع ویژگی‌های کالبدی از جمله ساختار فیزیکی بناها، شکل بصری آن‌ها، نوع دسترسی‌ها و ویژگی‌های فردی و جمعی ساکنین (بعد محتوایی، باطنی) مانند روابط اجتماعی، فرهنگ، تجارب، اکتسابات و... بود. وجود محله‌های یهودی‌ها، زرتشتیان، مسیحیان و آرامنه در شیراز و تأسیسات بیمارستان، نوانخانه، صومعه، کلیسا در شهر شیراز و روستاهای اقلیت نشین اطراف آن، همگی تلاشی در جهت حفظ و نگهداری نقش فعال اقلیت‌ها در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی در این دوره‌های تاریخی محسوب می‌شود. تجلی فعالیت‌های این گروه‌ها بر کالبد منطقه‌ی شیراز را می‌توان از جنبه‌های معماری، شکل‌دهی محلات شهری، گذرهای تاریخی، بازارچه‌های محله‌ای، بیمارستان‌ها و هنرهای تذهیبی مانند نقاشی‌های کلیسای مریم مقدس شیراز مشاهده کرد.

منابع

- ارباب، معصومه، (۱۳۸۱)، ترجمه گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوران افشاریه و زندیه (۱۷۴۷-۱۷۳۹)، تهران: نشر نی.
- استرآبادی، میرزا محمدخان، (۱۳۷۷)، جهانگشای نادری، مصحح سید عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول
- استخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳۴۰)، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- آصف، محمدهاشم، (۱۳۸۲)، رستم التواریخ، مصحح: میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- افسر، کرامت الله، (۱۳۵۳)، تاریخ قدیمی شیراز بافت. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- آل داوود، سید علی، (۱۳۷۸)، دو سفرنامه از جنوب ایران، تهران: امیرکبیر.
- باستانی راد، حسن، (۱۳۹۱) کوی (محل) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۰، بهار و تابستان.
- پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۹۰)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آرمان شهر.
- پری، جان، (۱۳۹۳)، حکومت و جامعه در زمان زندیان از مجموعه‌ی تاریخ ایران کمبریج دوره‌ی افشار، زند و قاجار، به سرپرستی پیتر آوری، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب، تهران: جامی.
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۸۲)، سفرنامه تاورنیه، مترجم، حمید ارباب شیرانی، تهران: نشر نیلوفر.
- ترکمان، اسکندر، (۱۳۸۲)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، مصحح ایرج افشار، امیرکبیر، تهران: مجموعه سه‌جلدی.
- حسینی فسایی، حسن (۱۳۸۸)، فارس نامه‌ی ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رحیمی دهگلان، ویدا؛ سورنی، برومند، (۱۳۹۶)، تأملی در سیاست مذهبی حکام زندیه، دو فصلنامه علمی تخصصی کارنامه‌ی تاریخ شماره ۷، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۷-۲۹
- سامی، علی، (۱۳۴۷)، شیراز دیار سعدی و حافظ، شیراز: چاپ خانه موسوی.
- ستوده، منوچهر، (۱۳۸۳)، اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه‌عباس صفوی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- سعیدالشیخلی، صباح ابراهیم، (۱۳۶۲)، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سیوری، راجر، (۱۳۶۳)، ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، انتشارات کتاب تهران، چاپ اول.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، مجموعه ۵ جلدی، انتشارات توس.

- فلسفی، نصرالله. ۱۳۶۹. زندگانی شاه‌عبّاس اول. تهران: علمی.
- فوران، جان، (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران: مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا.
- قائم‌مقامی، جهانگیر، (۱۳۴۶)، هرمز و خلیج فارس، دو ماهنامه بررسی‌های تاریخی، تهران: نشریه ستاد بزرگ ارتشتاران. ۳۶۶-۳۷۳
- کارری، جملی، (۱۳۴۸)، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کریمیان طاهری، محبوبه، (۱۳۹۰)، بررسی روابط متقابل یهودیان، مسیحیان و شیعیان در ایران از عصر صفوی تا انقلاب اسلامی، پایان‌نامه، کاشان: دانشگاه کاشان.
- کلانتر فارس، میرزا محمد، (۱۳۶۲)، روزنامه میرزا محمد کلانتر، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: انتشارات کتابخانه سنائی - کتابخانه طهوری
- الگود، سیریل، (۱۳۷۱)، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه‌ی باهر فرقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- لوی، حبیب، (۱۳۳۹)، تاریخ یهود ایران، جلد سوم، تهران: کتاب‌فروشی بروخیم، چاپ اول.
- مروی، محمدکاظم، (۱۳۶۴)، عالم‌آرای نادری، ترجمه: رضا عنایت‌الله، مصحح محمدامین ریاحی، اصفهان: نقش جهان
- مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۸۱)، نزهة القلوب، تصحیح محمد دبیر سیاقی، قزوین، حدیث امروز.
- مسیحا، عباس؛ زندیه، حسن، (۱۳۶۹)، بررسی و تحلیل مناسبات صفویان با اقلیت مسیحی در ایران در دوره‌ی تکوین و اقتدار حکومت، (۹۰۷-۱۱۰۰ ق / ۱۵۰۱-۱۶۰۰ م)، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی تاریخ اسلام، سال هجدهم، شماره‌ی ۷۲، تهران، ۱۹۰-۱۴۷
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۴۷)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، تهران: دانشسرای عالی تهران.
- مصطفوی، محمدتقی، (۱۳۷۵)، اقلیم پارس، تهران: نشر اشاره، چاپ دوم.
- مقدسی، محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، أحسن التقاسیم، ترجمه علی‌نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، چاپ اول.
- موسوی اصفهانی، محمدصادق، (۱۳۶۳)، تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه، مصحح: سعید نفیسی، تهران: انتشارات اقبال.
- ندیم، مصطفی، (۱۳۹۴)، خیابان کریم‌خان زند شیراز (همراه با بررسی تاریخی، اجتماعی محله‌ی پشت استانداری)، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

نمیرانیان، کتابون، (۱۳۸۹)، زرتشتیان ایران در دوره‌ی زندیه، مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه جلد ۲، به کوشش محمدعلی رنجبر، علی‌اکبر صفی‌پور، شیراز: بنیاد فارس شناسی، ۶۷۹-۶۷۳
نیبور، کارستن، (۱۳۵۴)، سفرنامه، ترجمه: پرویز رجبی، تهران: توکا.



موقعیت جغرافیایی محلات ارمنی، زرتشتی و کلیمی در شیراز (طراحی نویسندگان)